گزارش

دانشگاه مستقل؛ خواسته دانشگاهیان

شهرآرا در گفت‌وگو با وزیر علوم و ۲ استاد دانشگاه فردوسی، لوازم استقلال این نهاد را بررسی می‌کند

غزاله حسین‌پور| در فرهنگ نامه‌ها واژه استقلال را آزادی داشتن و آزادانه عمل کردن و از این دست معنا کرده‌اند. به تبع این واژگانی چون خودگردانی و خوداتکایی و خودمختاری به ذهن متبادر می‌شود. وقتی هم که تعبیر «استقلال دانشگاه‌ها» را به کار می‌بریم، چنین مفاهیمی را برای این نهاد علمی متصور هستیم. بااین‌همه مقصود این گزارش از استقلال دانشگاه، بی‌توجهی به محیط اجتماعی اطراف نیست، بلکه نهاد خودبسنده‌ای مدنظر است که با قدرت جذب خویش می‌تواند بر محیط پیرامون اثرگذار باشد و چه‌بسا از آن تأثیر پذیرد.

چنان‌که از معنای واژگانی استقلال هم برمی‌آید، آزادی رکنی جداانشدنی از استقلال می‌نماید و ازاین‌رو دانشگاه‌های مدرن و امروزی به این مهم توجه دارند. برقراری دیگر معنای آزادانه‌تر برای محیط‌های دانشگاه از پیش رو برداشته شوند. به گفته او، از مهم‌ترین این موانع ایجاد نهادهای موازی دانشگاه و مداخلات گسترده در نظام تصمیم‌گیری دانشگاهی است. مداخلاتی که اینک‌ولا و آزادی عمل را از دانشگاه‌ها سلب می‌کند. یوسفی می‌گوید: آزادی عمل و استقلال نهادهای علمی یک دست لوازمی برای پیشرفت و پویایی آن‌هاست که همواره باید موردتوجه دولت‌ها باشد. از طرفی، دانشگاه قوه عاقله جامعه است و دولت‌ها باید از این ظرفیت برای بهبود نظام تصمیم‌گیری خود استفاده کنند. این جامعه‌شناس دانشگاه را محلی برای آموزش‌های انتقادی می‌خواند که باید به طور مداوم فرصت گفت‌وگو و اظهارنظر آزادانه را فراهم کند و هر آنچه مانع رواج آموزش‌ها و گفت‌وگوهای انتقادی در دانشگاه شود، مانع استقلال دانشگاه برمی‌شمرد.

بستر پیشرفت علمی آزادی است

از دید او، اگر استقلال دانشگاه به رسمیت شناخته شود، رشد علم و فناوری در کشور نیز به شکل محسوسی افزایش پیدا خواهد کرد. یوسفی تأکید می‌کند: اگر قرار باشد در این کشور علم پیشرفت کند و اساس توسعه و پیشرفت را بر دانایی بدانیم، ضرور است که دانشگاه‌ها استقلال و آزادی عمل کافی داشته باشند. این آزادی عمل نیز باید در شئون تصمیم‌گیری این نهاد جریان داشته باشد؛ از جمله در جذب استادان، انتخاب رؤسای دانشگاه، ایجاد رشته‌های تحصیلی و بازنگری در آن، برقراری مراودات علمی و همکاری‌های بین‌المللی و امثال آن‌ها. این پژوهشگر ارتقای معیارها و ضوابط جذب اعضای هیئت‌علمی و کارکنان دانشگاه‌ها متناسب با اقتضائات علم و فناوری و بر اساس شایستگی را از موارد تضمین‌کننده استقلال دانشگاه می‌داند که در صورت تحقق، می‌توان انتظار داشت دستاورد و خروجی نیروی انسانی و علمی دانشگاه نیز برای جامعه بسیار مفید باشد. او ادامه می‌دهد: این دستاوردهای علمی تصادفی به بار نمی‌نشیند، به نظر من بستر اصلی آن آزادی است. آزادی عنصری حیاتی برای پیشرفت علمی و توسعه کشور محسوب می‌شود به‌ویژه برای این محیط که بیش از هر نهاد دیگری صلاحیت علمی و تخصصی و حرفه‌ای دارد. به یادداشته باشیم چنان‌که مطالعات جهانی منزلت شغلی نشان می‌دهد، موقعیت‌های دانشگاهی و دانشمندی برتر و ارزشمندتر از دیگر مناصب هستند.

تلاش‌هایی که کمتر نتیجه داده است

یوسفی معتقد است آیین‌نامه‌ها و مقررات دست‌وپاگیر و نظارت‌ها و مداخلات چندگانه مانع از پویایی دانشگاه‌ها شده است. این عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد به تلاش‌های فراوان مسئولان دانشگاهی برای بازگرداندن استقلال به این نهاد علمی اشاره و درعین‌حال اذعان می‌کند: متأسفانه تلاش‌های یادشده کمتر به نتیجه رسیده است و واقعیت این است که بسیاری از تصمیم‌های مهم درباره دانشگاه‌ها، در خارج از چهارچوب آن گرفته می‌شود. بدون تردید، این مداخلات مانع از رشد و پویایی دانشگاه و مخل خردورزی و آزاداندیشی است که از شروط اساسی رشد علم و فناوری است.

دولت‌ها بودند که دانشگاه‌های مدرن را تأسیس کردند

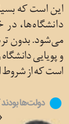

«دانشگاه‌ها کلا مستقل نیستند.» این جمله‌ای است که دکتر روح‌ال‌امینی، استاد بازنشسته گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، صحبت خود را با آن آغاز می‌کند. او می‌گوید: دانشگاه‌ها در دوره مدرن به این خاطر ایجاد شدند که بتوانند به فرایندهای توسعه در کشور کمک کنند، با علوم تولیدی خود مهندسی و پزشکی و فرایندهای سیاست‌گذاری در کشور را یاری رسانند و همچنین خوداتکایی و خودمختاری به ذهن متبادر می‌شود. وقتی هم که تعبیر «استقلال دانشگاه‌ها» را به کار می‌بریم، چنین مفاهیمی را برای این نهاد علمی متصور هستیم. بااین‌همه مقصود این گزارش از استقلال دانشگاه، بی‌توجهی به محیط اجتماعی اطراف نیست، بلکه نهاد خودبسنده‌ای مدنظر است که با قدرت جذب خویش می‌تواند بر محیط پیرامون اثرگذار باشد و چه‌بسا از آن تأثیر پذیرد.

چنان‌که از معنای واژگانی استقلال هم برمی‌آید، آزادی رکنی جداانشدنی از استقلال می‌نماید و ازاین‌رو دانشگاه‌های مدرن و امروزی به این مهم توجه دارند. برقراری دیگر معنای آزادانه‌تر برای محیط‌های دانشگاه از پیش رو برداشته شوند. به گفته او، از مهم‌ترین این موانع ایجاد نهادهای موازی دانشگاه و مداخلات گسترده در نظام تصمیم‌گیری دانشگاهی است. مداخلاتی که اینک‌ولا و آزادی عمل را از دانشگاه‌ها سلب می‌کند. یوسفی می‌گوید: آزادی عمل و استقلال نهادهای علمی یک دست لوازمی برای پیشرفت و پویایی آن‌هاست که همواره باید موردتوجه دولت‌ها باشد. از طرفی، دانشگاه قوه عاقله جامعه است و دولت‌ها باید از این ظرفیت برای بهبود نظام تصمیم‌گیری خود استفاده کنند. این جامعه‌شناس دانشگاه را محلی برای آموزش‌های انتقادی می‌خواند که باید به طور مداوم فرصت گفت‌وگو و اظهارنظر آزادانه را فراهم کند و هر آنچه مانع رواج آموزش‌ها و گفت‌وگوهای انتقادی در دانشگاه شود، مانع استقلال دانشگاه برمی‌شمرد.